به نام خدا

گزارش وضعیت توسعه اجتماعی ایران

کارگروه مطالعات موردی

 در جهان امروز توسعه از يك انتخاب و يا هدف به يك الزام تبديل شده است و جوامع براي ادامه بقا نيازمند توسعه‌ هستند. از سوي ديگر، تجربه توسعه اقتصادي صرف در كشورهاي جهان گوياي اين واقعيت است كه توسعه، بدون در نظر گرفتن انسان و ابعاد گوناگون جامعه، به ضد خود تبديل خواهد شد و چندان دوام نخواهد آورد.

 جامعه كليتي به هم مرتبط است كه هرگونه تغيير در يكي از اجزاء آن مي‌تواند سبب ايجاد تغيير در كليت جامعه و حتي تك تك اجزاءآن گردد. در نظر گرفتن جامعه به مثابه يك سيستم و عدم تقليل آن به اقتصاد، فرهنگ، سياست و غیره ما را در موقعيتي قرار خواهد داد كه نيازمند تعريف شاخصي براي توسعه كلي جامعه باشيم. به نظر مي‌رسد با در نظر داشتن شاخص‌هاي مختلف ارائه شده از توسعه اجتماعي اين سازه توانايي ايفاي اين نقش را داشته باشد.

 فقدان تعاريف مورد اجماع براي اصطلاح توسعه اجتماعي و بخشي از مفاهيم مرتبط با آن همچنان به منزله يك مشكل باقي مانده است. با این‌حال در تمام تعاریف هسته‌ای‌ترین مفهوم متعلق به توسعه اقتصادي است، كه ارائه خدمات و مرتفع ساختن نيازهاي عمده و اساسي بشري از اهداف اساسي آن است. مفهوم بعدي، كه دايره توسعه اقتصادي در درون آن قرار دارد، مربوط به توسعه انساني بوده كه تحصيلات، بهداشت و سلامت، مهارت و سطح معاش آبرومند از مؤلفه‌هاي اصلي آن مي‌باشند. بيروني‌ترين و بزرگ‌ترين دايره و به عبارتي جامع‌ترين آن‌ها متعلق به دايره توسعه اجتماعي است، كه با هدف‌گذاري‌هايي چون زندگي انجمني، مشاركت، اعتماد و فقدان تبعيض مشخص مي‌گردد.

**شاخص‌هاي توسعه اجتماعي**

 از آنرو كه تعاريف بسيار زيادي براي توسعه اجتماعي ارائه شده است، تعاريف مختلف، شاخص‌هاي متفاوتي را نيز براي آن بر شمرده‌اند. اما در بين شاخص‌هاي موجود سه شاخص موفقيت لگاتيوم[[1]](#footnote-1)، شاخص توسعه انساني[[2]](#footnote-2) سازمان ملل و شاخص توسعه اجتماعي مؤسسه بين‌المللي مطالعات اجتماعي[[3]](#footnote-3) به تعاريف و خرده شاخص‌هاي ارائه شده از توسعه اجتماعي نزديكتر هستند، كه در ادامه توضيحي مختصر نسبت به هر يك ارائه خواهد شد و در بخش‌هاي بعدي تلاش می شود با در نظر داشتن اين شاخص‌ها گزارشي از وضعيت كنوني توسعه اجتماعي در ايران در مقايسه با ساير كشورهاي جهان و منطقه ارائه شود.

**شاخص موفقيت لگاتيوم**

 اين شاخص با خرده شاخص‌هاي آن به‌رغم عنواني متفاوت از توسعه اجتماعي، شباهت و نزديكي فراواني با شاخص توسعه اجتماعي و خرده شاخص‌هاي زير مجموعه آن دارد. شاخص موفقيت منتشر شده از سوي نهاد لگاتیوم تنها سنجش جهاني از موفقيت ملل، مبتني بر درآمد و رفاه است. در اين سنجش 89 متغير كه زير مجموعه 8 خرده شاخص اقتصاد[[4]](#footnote-4)، كارآفريني و فرصت[[5]](#footnote-5)، حكمراني[[6]](#footnote-6)، آموزش[[7]](#footnote-7)، سلامت[[8]](#footnote-8)، ايمني و امنيت[[9]](#footnote-9)، آزادي فردي[[10]](#footnote-10) و سرمايه اجتماعي[[11]](#footnote-11) هستند مورد سنجش قرار مي‌گيرند كه تقريباً تمامي متغيرهايي را كه در تعاريف مختلف از توسعه اجتماعي به آن‌ها اشاره شده در بر مي‌گيرد.

**شاخص توسعه انساني سازمان ملل**

 اين شاخص، اگرچه شاخصي در زمينه توسعه انساني است اما در بيشتر گزارش‌هاي سازمان ملل پيرامون وضعيت توسعه اجتماعي در كشورها بر اين شاخص و خرده شاخص‌هاي آن تاكيد مي‌گردد.

 شاخص توسعه انساني نتيجه كوششي است به منظور رها كردن‏ ديدگاه توسعه توليدمدار (كه بر توليد ناخالص داخلي تأكيد دارد) و جايگزين كردن ديدگاه ديگري كه انسان‏مدار است. شاخص‏ توسعه انساني (HDI) متوسط موقعيت يك كشور را در سه جنبه اساسي توسعه انساني يعني طول‏ عمر، دانش و استاندارد مناسب زندگي اندازه مي‏گيرد. بر پايه روش‏هاي اعلام شده در اين گزارش‌ها، اجزاي شاخص توسعه انساني در بر گيرنده: اميد به زندگي به هنگام تولّد، ميزان باسوادي بزرگ‌سالان، نسبت تركيبي ثبت‏نام در دوره‏هاي ابتدايي، متوسطه و دبيرستان و توليد ناخالص داخلي سرانه به دلار بر اساس شاخص برابري قدرت خريد[[12]](#footnote-12) هستند. پس از برآورد شاخص‏هاي ياد شده، سه نماگر تركيبي: طول عمر (اميد به زندگي در بدو تولد)، سطح آموزش (ميزان باسوادي بزرگ‌سالان با ضريب دو سوم، و نيز نرخ ثبت‏نام در كليه مقاطع تحصيلي با ضريب يك سوم)، و سطح معاش آبرومند (سرانه توليد ناخالص داخلي بر حسب دلار) محاسبه مي‏شود، كه شاخص توسعه انساني‏ ‏ميانگين غير وزني اين سه شاخص است (برنامه توسعه سازمان ملل متحد، 2009).

**شاخص توسعه اجتماعي موسسه مطالعات اجتماعي**

 يكي ديگر از مهم‌ترين مؤسسات و نهادهايي كه تخصص كاري‌اش در حوزه توسعه اجتماعي است، مؤسسه بين‌المللي مطالعات اجتماعي[[13]](#footnote-13) است كه هر پنج سال گزارشي با نام شاخص‌هاي توسعه اجتماعي[[14]](#footnote-14) تدارك مي‌بيند. در اين گزارش‌ها، توسعه اجتماعي در قالب 6 شاخص فعاليت مدني[[15]](#footnote-15)، باشگاه‌ها و انجمن‌ها[[16]](#footnote-16)، انسجام درون گروهي[[17]](#footnote-17)، اعتماد و امنيت بين شخصي[[18]](#footnote-18)، برابري جنسيتي[[19]](#footnote-19) و ادغام اقليت‌ها[[20]](#footnote-20) مورد سنجش قرار می‌گیرد.

**توسعه اجتماعي در ايران**

 با توجه به نوپا بودن مفهوم توسعه اجتماعي پژوهش‌هاي چنداني در ايران پيرامون اين شاخص صورت نگرفته است اما نتيجه اين كوشش‌ها را مي‌توان در سه نكته زیر خلاصه نمود:

* نامناسب بودن وضعيت توسعه اجتماعي در ايران در مقايسه با ساير كشورها
* توسعه اجتماعي نامتوازن در استان‌هاي ايران و
* وجود رابطه معكوس بين سرمايه اجتماعي و توسعه اجتماعي در ايران

پژوهش‌هاي داخلي، وضعيت توسعه اجتماعي در ايران را در مقايسه با ساير كشورهاي جهان و منطقه چندان مثبت ارزيابي نكرده‌اند، اين در حالي است كه در سند چشم‌انداز 1404 هدف ايران قرار گرفتن در پله نخست منطقه مي‌باشد. علاوه بر آنكه وضعيت توسعه اجتماعي در ايران در مقايسه با ساير كشورهاي منطقه چندان مناسب ارزيابي نشده است، در درون كشور نيز اندك پژوهش‌هايي كه به مقايسه وضعيت استان‌هاي ايران با يكديگر در زمينه توسعه اجتماعي پرداخته‌اند، نشان دهنده بروز توسعه اجتماعي نامتوازن در بين استان‌هاي كشور است؛ به گونه‌اي كه شكافي عميق بين استان‌هاي نخست از نظر توسعه اجتماعي يعني يزد، اصفهان، خراسان رضوي و تهران و استان‌هاي انتهايي در رتبه‌بندي يعني كهكيلويه و بويراحمد، سيستان و بلوچستان و ايلام وجود دارد. نكته مشترك قابل تأمل ديگر در برخي از اين پژوهش‌ها وجود رابطه معكوس بين سرمايه اجتماعي و توسعه اجتماعي در ايران است. اين در حالي است كه در جهان رابطه‌اي مثبت بين سرمايه اجتماعي و توسعه اجتماعي وجود دارد؛ يعني كشورهايي كه از نظر توسعه اجتماعي در سطوح بالايي قرار دارند، از نظر ميزان سرمايه اجتماعي نيز در رتبه‌هاي نخست قرار گرفته‌اند كه اين امر شايسته تامل نظري بيشتري است.

**گزارش موسسه بين‌المللي لگاتيوم**

 در جدول زير مي‌توانيد وضعيت ايران را در زمينه خرده شاخص‌هاي مختلف و رتبه‌بندي كلي موسسه لگاتيوم ملاحظه نماييد.

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|  | **اقتصاد** | **كارآفريني و فرصت** | **حكمراني** | **آموزش** | **سلامت** | **ايمني و امنيت** | **آزادي فردي** | **سرمايه اجتماعي** | **رتبه‌بندي كلي** |
| **ايران** | **رتبه** | 70 | 95 | 126 | 57 | 66 | 125 | 125 | 121 | 102 |
| **نمره** | (03/0-) | (89/0-) | (4/2-) | (55/0) | (5/0) | (38/2-) | (26/2-) | (38/2-) |  |
| **نروژ**[[21]](#footnote-21) | **رتبه** | 2 | 4 | 13 | 6 | 4 | 2 | 6 | 1 | 1 |
| **نمره** | (26/3) | (67/3) | (2/3) | (44/2) | (06/3) | (71/3) | (66/3) | (47/4) |  |
| **امارات[[22]](#footnote-22)** | **رتبه** | 17 | 30 | 41 | 37 | 32 | 23 | 66 | 42 | 19 |
| **نمره** | (29/2) | (16/2) | (62/0) | (24/1) | (61/1) | (1/2) | (16/0) | (51/0) |  |
| **رتبه ايران در بين كشورهاي 16گانه منطقه**[[23]](#footnote-23) | 9 | 12 | 13 | 4 | 7 | 14 | 7 | 11 | 11 |

همانطور كه مشاهده مي‌شود جايگاه ايران از نظر اين شاخص نه تنها در جهان بلكه در منطقه نيز چندان مناسب ارزيابي نمي‌گردد. علاوه بر نامناسب بودن وضعيت ايران در اين شاخص‌، بررسي روند حركتي ايران در فاصله سال‌هاي 2010 تا 2012 نيز گوياي مساله ديگري در اين زمينه مي‌باشد و آن روند نزولي ايران از نظر رتبه‌بندي در برخي از خرده شاخص‌هاي ذكر شده در جدول فوق است. در جدول زير مي‌توانيد وضعيت رتبه‌اي ايران را در هر يك از خرده شاخص‌ها در فاصله سال‌هاي 2010 تا 2013 مشاهده نماييد.

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|  | **اقتصاد** | **كارآفريني و فرصت** | **حكمراني** | **آموزش** | **سلامت** | **ايمني و امنيت** | **آزادي فردي** | **سرمايه اجتماعي** | **رتبه‌بندي كلي** |
| **2010** | 78 | 86 | 105 | 57 | 60 | 99 | 108 | 106 | 92 |
| **2011** | 76 | 88 | 107 | 64 | 61 | 100 | 107 | 107 | 97 |
| **2012** | 70 | 95 | 126 | 57 | 66 | 125 | 125 | 121 | 102 |

 همانطور كه در جدول صفحه قبل نيز قابل مشاهده است، به جز رتبه ايران در زمينه خرده شاخص اقتصاد كه در مقايسه با سال 2010 ميلادي بهبود يافته و شاخص آموزش كه در مقايسه با آن سال تغييري ننموده و البته در مقايسه با سال 2011 افت نموده، در زمينه ساير شاخص‌ها با روندي نزولي مواجه بوده‌ايم. اين نزول در رتبه‌بندي بيشتر ناشي از عملكرد بهتر ساير كشورها و يا ورود كشورهاي ديگر به فرايند رتبه‌بندي است كه وضعيت بهتري از ايران داشته‌اند تا افت نمره‌اي ايران در هر يك از اين شاخص‌ها. در زمينه شاخص‌ اقتصادي نيز اين رتبه ايران با در نظر داشتن نرخ تورم 3/10 درصد است كه با توجه به دو برابر شدن اين نرخ بر اساس آمارهاي رسمي(مركز آمار ايران و بانك مركزي) و چند برابر شدن آن بر اساس آمارهاي غير رسمي (تاجگردون، 1391) به نظر مي‌رسد رتبه ايران در زمينه اين شاخص در سال آينده با افت قابل توجهي همراه باشد.

 با در نظر داشتن داده‌هاي فوق به نظر مي‌رسد كه ايران در زمينه توسعه اجتماعي در جهان و در منطقه خاور ميانه از جايگاه چندان مناسبي برخوردار نيست. مقايسه وضعيت رتبه‌ شاخص‌هاي توسعه‌اي ايران و نروژ گوياي واقعيت تامل‌برانگيز ديگري نيز است. همانطور كه در جدول مربوط به رتبه‌ها مشاهده مي‌شود، حداكثر فاصله بين بيشترين و كمترين رتبه نروژ در هر يك از شاخص‌ها 13 بوده در حالي كه اين فاصله براي ايران برابر 69 است. اين امر خود گوياي توسعه‌اي نامتوازن در ابعاد مختلف شاخص‌هاي مربوط به توسعه اجتماعي است كه برنامه‌ريزان و سياست‌گذارن مي‌بايست توجه بيشتري را بدان مبذول دارند. زيرا اگر كليت كشور را يك سيستم بدانيم، بايد گفت سيستمي از تعادل نسبي و لازم برخوردار است كه اجزاي آن روابط منطقي باهم داشته باشند؛زيرا برتري يك يا چند عنصر بر ديگر عناصر، پيامدها و كاركردهاي منفي‌اي در بر خواهد داشت.

**گزارش توسعه انساني سازمان ملل متحد**

 در سال 2011، مقدار شاخص توسعه انساني براي كشور جمهوري اسلامي ايران، 707/0 ارزيابي شد. چنين مقداري موقعيت كشور را در رده 88 ام از ميان 187 كشور و قلمرو به رسميت شناخته توسط سازمان ملل متحد قرار مي‌دهد. ايران بر اساس اين گزارش در بين كشورهاي منطقه پس از كشورهاي اسرائيل، امارات متحده عربي، قطر، بحرين، عربستان سعودي، كويت و لبنان در جايگاه هشتم قرار گرفته است.

**گزارش مؤسسه بين‌المللي مطالعات اجتماعي**

 وضعيت شاخص هاي توسعه اجتماعي در ايران در طي سال هاي 1990 تا 2010 بر اساس گزارش اين موسسه به شرح جدول زير است:

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **سال** | **فعاليت مدني** | **باشگاهها و انجمنها** | **انسجام درون گروهي** | **اعتماد و امنيت بين شخصي** | **برابري جنسيتي** | **ادغام اقليت ها** |
| **1990** | 465/0 | - | 660/0 | - | 467/0 | - |
| **1995** | 458/0 | - | 683/0 | - | 478/0 | - |
| **2000** | 498/0 | 398/0 | 518/0 | - | 469/0 | 474/0 |
| **2005** | 497/0 | 347/0 | 611/0 | 578/0 | 655/0 | 425/0 |
| **2010** | 496/0 | 311/0 | 467/0 | 546/0 | 668/0 | 418/0 |

 بر اساس داده‌هاي مؤسسه بين المللي مطالعات اجتماعي، آن چه كه طي روند بيست ساله 1990 تا 2010 بيش از هر مسئله ديگري به چشم مي‌آيد، تنزل و به عبارت بهتر، سقوط انسجام درون گروهي در جامعه ايران است. سال 1990 ميلادي كه برابر با 1368 شمسي است، مقارن است با پايان جنگ تحميلي كه همان‌طور كه داده‌هاي جدول فوق نشان مي‌دهد، ميزان شاخص انسجام درون گروهي در وضعيت مناسبي قرار داشته است. بيشترين تنزل نه تنها در ميزان انسجام درون گروهي، بلكه در شاخص‌هاي انجمن‌هاي مدني، و نيز اعتماد و امنيت بين شخصي را در طي سال هاي 2010-2005 داشته‌ايم. به عبارت ديگر، طي سال هاي 1389-1384 شاهد سقوط بيشتر شاخص‌هاي توسعه اجتماعي بوده ايم.

 هم چنين به لحاظ مقايسه‌اي و بر اساس داده‌هاي اين مؤسسه، رتبه ايران و نروژ در مورد هر يك از شاخص‌هاي فوق از بين 209 كشور مورد بررسي در سال 2010 در ميان كشورهاي جهان به شرح جدول زير است:

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **كشور** | **فعاليت مدني** | **باشگاه‌ها و انجمن‌ها** | **انسجام درون‌گروهي** | **اعتماد و امنيت بين‌شخصي** | **برابري جنسيتي** | **ادغام اقليت‌ها** |
| **ايران** | **87** | **106** | **131** | **30** | **153** | **99** |
| **نروژ** | **1** | **44** | **2** | **2** | **4** | **7** |

مقايسه وضعيت رتبه‌اي ايران و نروژ در شاخص‌هاي مختلف

 فاصله ميان ايران و نروژ را مي‌توان فاصله بين وضعيت موجود و مطلوب در زمينه توسعه اجتماعي دانست كه براي طي آن نيازمند برنامه‌هايي دقيق و تغييراتي وسيع هستيم.

1. Legatum prosperity index [↑](#footnote-ref-1)
2. Human development index(HDI) [↑](#footnote-ref-2)
3. ISS: International Institude of Social Studies [↑](#footnote-ref-3)
4. economy [↑](#footnote-ref-4)
5. Entrepreneurship and opportunity [↑](#footnote-ref-5)
6. Governance [↑](#footnote-ref-6)
7. education [↑](#footnote-ref-7)
8. Health [↑](#footnote-ref-8)
9. Safety and security [↑](#footnote-ref-9)
10. Personal freedom [↑](#footnote-ref-10)
11. Social capital [↑](#footnote-ref-11)
12. PPP: Purchasing Parity Power [↑](#footnote-ref-12)
13. ISS: International Institude of Social Studies [↑](#footnote-ref-13)
14. ISD: Indices of Social Development [↑](#footnote-ref-14)
15. Civic Activism [↑](#footnote-ref-15)
16. Clubs and Associations [↑](#footnote-ref-16)
17. Intergroup Cohesion [↑](#footnote-ref-17)
18. Interpersonal Safety and Trust [↑](#footnote-ref-18)
19. Gender Equality [↑](#footnote-ref-19)
20. Inclusion of Minorities [↑](#footnote-ref-20)
21. كشور نخست جهان (بر اساس رتبه بندي لگاتيوم، شاخص توسعه انساني و شاخص توسعه اجتماعي موسسه مطالعات اجتماعي) [↑](#footnote-ref-21)
22. كشور اول منطقه خاورميانه (بر اساس رتبه‌بندي لگاتيوم) [↑](#footnote-ref-22)
23. اين كشورها به ترتيب رتبه‌بندي عبارتند از: امارات متحده عربي، كويت، اسرائيل، عربستان سعودي، مراكش، اردن، تونس، لبنان، تركيه، الجزاير، ايران، مصر، سوريه، عراق، يمن، افغانستان [↑](#footnote-ref-23)